

یادداشت

ضرورت خروج از «دوگانه سازی»



کیهان برزرگر

تحلیلگر مسائل بین الملل

دوگانه های موجود در سیاست خارجی ایران با هدف تحقق دووظیفه اصلی سیاست خارجی یعنی «تولید امنیت» و «انباشت ثروت» در روند زمان ساخته شده اند. این دو گانه ها عبارتند از: گرایش به شرق یا به غرب، تقویت امنیت یا احیای برجام، تقویت محور مقاومت یا گسترش روابط با دولت های منطقه و منطقه گرایی یا جهانی شدن. نخست، دوگانه سازی گرایش به شرق یا به غرب: این دوگانه بیشتر برای تأثیرگذاری بر سیاست داخلی ایران، به ویژه در شب انتخابات ریاست جمهوری، شکل گرفته است. از یکسو، نزدیکی به شرق منطق جغرافیایی (کریدوری) و اتصال به زنجیره منطقه ای انتقال کالاها از مسیر ایران دارد. از سوی دیگر، گرایش به غرب بر منطق دستپایی به سرمایه و تکنولوژی استوار است. دولت ها در ایران، بنا به ماهیت و تفکرات دولتمردان، تأمین منافع سیاسی و اقتصادی کشور را در نزدیکی به شرق یا غرب می بینند. این الزاما به معنای شرقی شدن یا غربی شدن یک دولت به لحاظ ایدئولوژیک نیست. دوم، دوگانه سازی احیای برجام یا تقویت امنیت: این دوگانه تحقق «توسعه» و «امنیت» در کشور را به بهای دیگری فرض می کند. از یکسو، عدم احیای برجام روابط با غرب (به ویژه با آمریکا) را پیچیده تر کرده و تداوم تحریم ها منجر به بحرانی شدن اقتصاد کشور و افزایش فقر می شود. از سوی دیگر، احیای برجام نباید به بهای تضعیف قوه بازدارندگی و امنیت کشور (اعمال محدودیت های موشکی و تضعیف نقش منطقه ای ایران از سوی غربی ها) صورت پذیرد. سوم، دوگانه سازی محور مقاومت یا روابط با دولت های منطقه: از یکسو، تقویت روابط ایران با نیروهای سیاسی- نظامی دوست ایران با همیان اعضای محور مقاومت (در لبنان، عراق، سوریه، یمن) منجر به تقویت قوه بازدارندگی کشور می شود. از سوی دیگر، عدم گسترش تعاملات اقتصادی و سیاسی با دولت های منطقه (به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس) به دلیل مخالفت آنها با محور مقاومت منجر به هزینه تراشی برای اقتصاد کشور می گردد. تقویت روابط با محور مقاومت در مفهوم «ایران قوی» (بازدارندگی) و گسترش تعاملات با دولت های منطقه در مفهوم «منطقه قوی» (تولید ثروت) نمایان می شوند. رئیس جمهور منتخب در مقاله خود به اهمیت این مورد اخیر اشاره کرد. چهارم، دوگانه سازی منطقه گرایی یا جهانی شدن: از یکسو، خاص بودن ایران به لحاظ ثقل جغرافیایی و بهره مندی از انرژی های قوی تمدنی و اسلانی، ضرورت اولویت دادن به روابط منطقه ای (حوزه همسایگی) را در الگوی سیاست خارجی مورد توجه قرار می دهد. از سوی دیگر، دسترسی قدرت های جهانی (به ویژه غرب) بر تکنولوژی و سرمایه، ضرورت ادغام ایران در اقتصاد جهانی را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور اجتناب ناپذیر می کند. منطق مهمه این دوگانه سازی ها در رویکرد سیاست خارجی کشورمان قابل پذیرش است. چون نوعی به هم پیوستگی بین «توسعه» و «امنیت» کشور وجود دارد و نمی توان از یکی از آنها به بهای دیگری غافل شد. اما نکته مهم چگونگی «پیوند» بین این دو وظیفه اصلی سیاست خارجی است. در اینجا جست که توجه به اهرم «زمان» و تلاش برای «سازگاری» بین این دوگانه ها با محیط متحول ژئوپلیتیک منطقه ای و جهانی حائز اهمیت می شود. نخست، اگر سیاست بین الملل به گونه ای است که گرایش به شرق یا غرب بیشتر متمركز بر رویکرد تکنولوژیک و توسعه ای سیاست خارجی می شود، منطق سیاست خارجی تعامل و فرصت سازی است و لذا در عمل گرایش به شرق یا غرب را نمی شناسد. همزمان یک قدرت منطقه ای همچون ایران (یا ترکیه و عربستان سعودی) خواهان نفوذ بزرگ قدرت های شرقی یا غربی در حوزه نفوذ ژئوپلیتیک خود به هیچ عنوانی نیست، چون جای آن را به تدریج تنگ می کند. چنین قدرتی از برتری ژئوپلیتیک خود به عنوان اهرمی برای چانه زنی با همه قدرت بزرگ در حوزه های کسب تکنولوژی و سرمایه استفاده می کند. دوم، اکنون احیای برجام با هر توافقی استغاه ای جدید بیشتر در قالب تأمین امنیت و منافع اقتصادی کشور و رفع تحریم ها در نظر گرفته می شود. در حوزه تأمین امنیت، پاسخ گسترده موشکی ایران به اسرائیل و ناتوانی آمریکا در مانعیت از آن نشانگر این واقعیت است که ایران به قوه بازدارندگی و متعارف خود برای تأمین امنیت کشور اطمینان کامل دارد. بنابراین، موضوع مهار برنامه موشکی یا تضعیف سیاست منطقه ای ایران توسط غربی ها در شرایط حاضر کاملاً بی ربط می شود. بر همین مبنا بود که این مباحث در دور آخر مذاکرات برجام اصلا توسط غربی ها مطرح نشد. چون آنها نمی شناسند طرح این مسأله بی فایده بوده و مانع از پیشرفت مذاکرات در همان نقطه ابتدایی می شود. سوم، نیروهای مقاومت مورد حمایت ایران در روند زمان به درجه ای از استقلال تکنولوژیک و تجربه نظامی و امنیتی رسیده اند که می توانند در قالب یک اتحاد شبکه ای از خود دفاع کنند و با افزایش قدرت چانه زنی حتی دشمنان خود را وادار به ورود به مذاکرات سیاسی کنند. تجربه عدم موفقیت اسرائیل در جنگ غزه و مواجهه سخت این رژیم با حماس و همچنین مذاکره عربستان سعودی با یمنی ها برای برقراری آتش بس دو نمونه آشکار هستند. بنابراین، می توان از طریق حمایت از محور مقاومت برای ورود به فاز سیاسی در ساختارهای قدرت کشورشان به تعادلی در روابط با دولت های منطقه رسید. از یک نگاه متفاوت، جنگ غزه، حمله گسترده موشکی ایران به اسرائیل و حتی حمله انصار... به نفتکش های اسرائیلی و حامیان غربی آنها در دریای سرخ، موقعیت سیاسی و اهرم چانه زنی رژیم های محافظه کار عرب و در اس آنها سعودی ها را در معادلات احتمالی صلح با اسرائیل یا حتی تنظیم رابطه با آمریکا، از جمله در موضوع «راه حل دو دولت» و «عادی سازی روابط با اسرائیل»، تقویت کرده است. چهارم، دوگانه منطقه گرایی و جهان گرایی در نگاه سیاست خارجی ایران به راحتی قابل ادغام با یکدیگر هستند. چین از منطقه گرایی به جهان گرایی رسیده است. قدرت های بزرگ به برتری ژئوپلیتیک ایران در اتصال زیر سیستم های اقتصادی و کریدوری منطقه کاملاً واقف هستند. ادغام و اتصال اقتصادی ایران با منطقه می تواند راه ورود به اقتصاد جهانی را هموار کند.

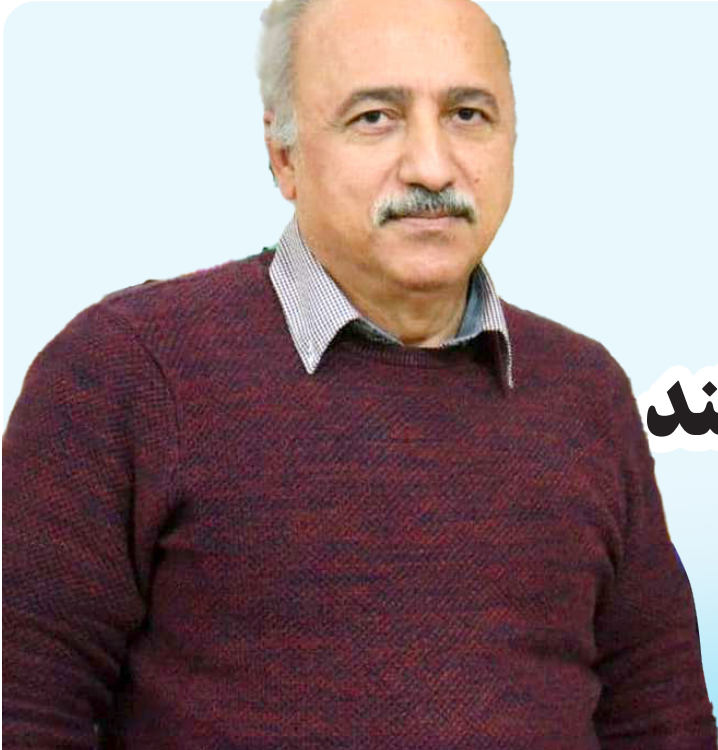
مرتضی افقه در گفت و گو با «آرمان ملی»:

پزشکیان باید حاکمیت را برای

تعامل با جهان متقاعد کند

بازندگان انتخابات تلاش می کنند مطالبات را از پزشکیان بالا ببرند

مهم ترین مانع تحقق وعده های پزشکیان تنش های بین المللی است



با توجه به نقش مخربی که تحریم های اقتصادی بر زندگی و معیشت مردم تاکنون داشته، اولویت فوری دولت باید تلاش برای رفع تحریم های حل مشکل روابط مالی و باشد. هر چند تصمیم گیری در مورد سیاست خارجی و روابط بین الملل کاملاً در اختیار قوه مجریه نیست، اما پزشکیان باید بتواند با تعامل سازنده، گروه ها و نهادهای احتمالی مخالف با این اولویت را متقاعد کند. اگر این اتفاق در کوتاه مدت رخ ندهد، در شرایط و ساختارهای ناکارآمد فعلی، حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی تقریباً غیرممکن است.» در ادامه ما حاصل این گفت و گو را می خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: به چه میزان می توان به تغییر و تحول اقتصادی کشور در دولت پزشکیان خوشبین بود؟ آیا پزشکیان می تواند به وعده هایی که به مردم داده عمل کند؟ مهم ترین موانع تحقق وعده های وی چه خواهد بود؟ بازندگان انتخابات ریاست جمهوری چه رویکردی در مقابل پزشکیان خواهند گرفت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مرتضی افقه، اقتصاددان گفت و گو کرده است. افقه معتقد است: «پزشکیان هم با موانع داخلی مواجه است هم خارجی. به نظر می رسد فوری ترین مانع، تنش در روابط خارجی، به خصوص با کشورهای غربی و آمریکا و برخی کشورهای منطقه است.

تحریم ها رخ دهد.

در چنین شرایطی پزشکیان چگونه می تواند به وعده های اقتصادی که به مردم داده عمل کند تا پایگاه اجتماعی خود را تقویت کند؟

من معتقدم پیروزی پزشکیان در انتخابات ساده ترین بخش از مبارزه مدنی بود. مسیر پیش رو با توجه به شرایط داخلی و خارجی موجود، بسیار سخت و پرزحمت است و نیاز به تدبیر، تلاش، همراهی و همکاری سایر اجزای حاکمیت و نیز مشارکت مردم و گروه های مختلف موافق و مخالف سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... دارد. پزشکیان باید در اولین واکنش به این پیروزی دشوار، نشان دهد که قدر این سرمایه اجتماعی ایجاد شده را با حرکت در جهت تحقق وعده های خود، می داند و ارج می نهد. پزشکیان باید گروه های مخالف را مطمئن کند که علائق آنان را به اندازه سهم شان در جامعه در نظر می گیرد تا همراهی آنان را جلب کند. پس از ناکامی های گذشته و بی مهری های زیاد ای که به مردم، به خصوص جوانان صورت پذیرفت، دعوت به مشارکت بخش قابل توجهی از مردم ناراضی بسیار دشوار بود. با این وجود جوانان دلسوز و علاقه مند به مام میهن یک بار دیگر به حاکمیت فرصت دادند. پزشکیان باید قدر این فرصت را بداند و به این مسئولیت سنگین آگاه باشد. تردیدی نیست که گروه های مختلف جامعه، اولویت های مختلف و متنوعی دارند که باید مورد نظر دولت و حاکمیت باشد. با این وجود شاید بتوان دو گروه از اولویت ها را هم تمیز داد: گروه اول، انبوهی از مردم که مشکل اصلی و فوری شان معیشت و زندگی مادی است؛ به خصوص گروه هایی که در دهک های پایین هستند و گروه دوم، کسانی که از درآمد و رفاهی نسبی برخوردارند و اولویت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شان برجسته تر است. بدیهی است که دولت به کمک سایر قوا و نهادهای حاکمیتی باید برای هر دو گروه به صورت موازی اقدامات لازم را انجام دهد، اما برآورده کردن این مجموعه از اولویت ها، پراز موانع داخلی و خارجی است. به همین دلیل رفع مشکلات متراکم شده مردم، زمان بر، دشوار و پرزحمت است و قاعدتاً نباید برای جامعه توقع حل آنها به صورت فوری ایجاد شود. هرچند ممکن است گروه های مخالفی که منافع سیاسی را بر منافع ملی ترجیح می دهند، به این توقعات دامن بزنند.

مهم ترین موانع پیشبرد اهداف پزشکیان را چه می دانید؟

پزشکیان هم با موانع داخلی مواجه است هم خارجی. به نظر می رسد فوری ترین مانع، تنش در روابط خارجی، به خصوص با کشورهای غربی و آمریکا و برخی کشورهای منطقه است. با توجه به نقش مخربی که تحریم های اقتصادی بر زندگی و معیشت مردم تاکنون داشته، اولویت فوری دولت باید تلاش برای رفع تحریم ها و حل مشکل روابط مالی و روابط بین الملل کاملاً در اختیار قوه مجریه نیست، اما پزشکیان باید بتواند با تعامل سازنده، گروه ها و نهادهای احتمالی مخالف با این اولویت را متقاعد کند. اگر این اتفاق در کوتاه مدت رخ ندهد، در شرایط فعلی، حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی تقریباً غیرممکن است. در زمینه داخلی نیز ناکامی های گذشته، به خصوص مشکلات ناشی از تشدید تحریم ها در سال ۱۳۹۷، باعث خروج بخش قابل توجهی از نیروهای انسانی به عنوان مهم ترین ثروت و سرمایه کشور و خروج منابع مالی و نیز تضعیف منابع و سرمایه های طبیعی و فیزیکی کشور شده است. بنابراین، مشکلات داخلی پیش روی پزشکیان نیز بسیار زیادند. در مقابل اما پزشکیان از سرمایه اجتماعی خوبی در فرآیند انتخابات حاصل شده، برخوردار است که می تواند انرژی لازم برای رفع موانع انبوه موجود را برای او و همراهان اجرایی اش فراهم کند. بنابراین، برای حرکت در جهت تحقق وعده ها، پزشکیان باید در وهله اول تیم اجرایی خود از صد تا ذیل را از شایسته ترین افراد انتخاب کند.

واقعبیت این است که مدت هاست که متغیرهای اقتصادی ایران ریشه های غیراقتصادی و بیرونی دارند. یعنی در حوزه های اقتصادی، عواملی غیراقتصادی اثرگذار هستند. در شرایط فعلی این متغیرها، ریشه های سیاسی دارند و این رویکردهای سیاسی است که راه و مسیر اقتصاد را مشخص می کنند. طبیعی است، که با رویکردهای غیرتخصصی سیاسی، نمی توان برای بخش اقتصاد ایران نسخه پیچید و برنامه ریزی کرد. با نسخه های سیاسی صرف یا مشکلات اقتصادی حل نمی شود یا اگر حل شوند این بهبود به اندازه ای اندک است که عملگرهی از هزار توی مشکلات معیشتی مردم باز نمی شود. در سال های اخیر نیز راهبردهایی که بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه برای کنترل متغیرهای اقتصادی تجویز می سازد، اصلاح بنیادین و مثبتی را ایجاد نکرده و تنها در مقاطع کوتاه مدت اثرگذار بوده اند. با توجه به اینکه اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و روند کلی فروش نفت به سایر کشورها وابستگی دارد، هر اتفاقی که در حوزه صادرات نفت ایران یا مناسبات ارتباطی ایران با سایر کشورها ایجاد شود کلیت بازارها را دچار نوسان و تغییر می سازد. مثلاً زمانی که مسئولان اعلام می کنند دوینمایی از احیای برجام در آینده نزدیک متصور نیست و بر حجم تنش های ایران با قدرت های جهانی و منطقه ای افزوده می شود، طبیعی است که بازارهای داخلی به این تحولات واکنش نشان داده و نوسان ایجاد می شود. از سوی دیگر زمانی که تنش میان ایران یا یکی از کشورهای دیگر ایجاد می شود، بازارهای مختلف از جمله بازار ارز تأثیر پذیرفته و با کاهش ارزش مواجه می شوند. در این میان عملکرد اقتصادی ضعیف دولت سیزدهم هم بر حجم مشکلات افزوده است. دولت در ابتدای زعامت بر اس هرم اجرایی کشورمان وعده مهار تورم و به نیم رساندن آن ر داده بود، اما در رگم گذشت حدود ۳ سال از عمر دولت تأثیر مثبتی در مهار تورم مشاهده نمی شود.

مهم ترین عوامل افزایش تورم چه بود؟

اگر قرار باشد دو عامل اساسی برای نوسانات اقتصادی در نظر گرفته شود بدون تردید رشد تورم یکی از عوامل اصلی محسوب می شود. تداوم تورم یعنی کاهش تدریجی قدرت خرید و افزایش قیمت ها. کاهش قدرت خرید یعنی فقیرتر شدن فقرا و ثروتمند شدن ثروتمندان. بسیاری از شهروندان طبقه متوسط به قشر فقرا افزوده و بسیاری از فقرا، با فقر مطلق دست به گریبان شده اند. این روند در حال تریز است. مردم برای تأمین اقلام اساسی و اجاره یک مسکن حداقلی با مشکلات عدیده ای مواجه هستند. نرخ تورمی ۴۵ درصد، یک تورم غیرعادی است. این تورم در حال افزایش است. مردم حداقل ۶ سال و حداکثر چند دهه در حال تجربه تورم های بالا هستند. چنین تورم بالایی در هیچ کشور دیگری در این بازه زمانی طولانی تجربه نشده است. از این منظر، ایران شرایط منحصره فردی را تجربه می کند. طبیعی است برای مقابله با این وضعیت دولت جدید از یک طرف باید زمینه رشد تورم را مهار کند و از سوی دیگر برنامه بهبود مناسبات با جهان پیرامونی را در دستور کار قرار دهد. تنها در این صورت است، مردم می توان توقع ایجاد ثبات و بهبود شاخص ها را داشت.

در چنین شرایطی پزشکیان باید چه اولویت های اقتصادی برای خود در نظر بگیرد که بتواند شرایط را تغییر بدهد؟

واقعبیت این است که دولت پزشکیان در شرایط بسیار دشوارتری از زمان روی کار آمدن شهید رئیسی قرار دارد. پزشکیان ریسک بزرگی کرد و بعید است که با وجود

به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی مردم، انتخاب افرادی کارآمد در تیم اقتصادی دولت آینده یک ضرورت جدی است. در این زمینه پزشکیان چه رویکردی باید در پیش بگیرد؟

واقعبیت این است که مدت هاست که متغیرهای اقتصادی ایران ریشه های غیراقتصادی و بیرونی دارند. یعنی در حوزه های اقتصادی، عواملی غیراقتصادی اثرگذار هستند. در شرایط فعلی این متغیرها، ریشه های سیاسی دارند و این رویکردهای سیاسی است که راه و مسیر اقتصاد را مشخص می کنند. طبیعی است که با رویکردهای غیرتخصصی سیاسی، نمی توان برای بخش اقتصاد ایران نسخه پیچید و برنامه ریزی کرد. با نسخه های سیاسی صرف یا مشکلات اقتصادی حل نمی شود یا اگر حل شوند این بهبود به اندازه ای اندک است که عملگرهی از هزار توی مشکلات معیشتی مردم باز نمی شود. در سال های اخیر نیز راهبردهایی که بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه برای کنترل متغیرهای اقتصادی تجویز می سازد، اصلاح بنیادین و مثبتی را ایجاد نکرده و تنها در مقاطع کوتاه مدت اثرگذار بوده اند. با توجه به اینکه اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و روند کلی فروش نفت به سایر کشورها وابستگی دارد، هر اتفاقی که در حوزه صادرات نفت ایران یا مناسبات ارتباطی ایران با سایر کشورها ایجاد شود کلیت بازارها را دچار نوسان و تغییر می سازد. مثلاً زمانی که مسئولان اعلام می کنند دوینمایی از احیای برجام در آینده نزدیک متصور نیست و بر حجم تنش های ایران با قدرت های جهانی و منطقه ای افزوده می شود، طبیعی است که بازارهای داخلی به این تحولات واکنش نشان داده و نوسان ایجاد می شود. از سوی دیگر زمانی که تنش میان ایران یا یکی از کشورهای دیگر ایجاد می شود، بازارهای مختلف از جمله بازار ارز تأثیر پذیرفته و با کاهش ارزش مواجه می شوند. در این میان عملکرد اقتصادی ضعیف دولت سیزدهم هم بر حجم مشکلات افزوده است. دولت در ابتدای زعامت بر اس هرم اجرایی کشورمان وعده مهار تورم و به نیم رساندن آن ر داده بود، اما در رگم گذشت حدود ۳ سال از عمر دولت تأثیر مثبتی در مهار تورم مشاهده نمی شود.

اگر قرار باشد دو عامل اساسی برای نوسانات اقتصادی در نظر گرفته شود بدون تردید رشد تورم یکی از عوامل اصلی محسوب می شود. تداوم تورم یعنی کاهش تدریجی قدرت خرید و افزایش قیمت ها. کاهش قدرت خرید یعنی فقیرتر شدن فقرا و ثروتمند شدن ثروتمندان. بسیاری از شهروندان طبقه متوسط به قشر فقرا افزوده و بسیاری از فقرا، با فقر مطلق دست به گریبان شده اند. این روند در حال تریز است. مردم برای تأمین اقلام اساسی و اجاره یک مسکن حداقلی با مشکلات عدیده ای مواجه هستند. نرخ تورمی ۴۵ درصد، یک تورم غیرعادی است. این تورم در حال افزایش است. مردم حداقل ۶ سال و حداکثر چند دهه در حال تجربه تورم های بالا هستند. چنین تورم بالایی در هیچ کشور دیگری در این بازه زمانی طولانی تجربه نشده است. از این منظر، ایران شرایط منحصره فردی را تجربه می کند. طبیعی است برای مقابله با این وضعیت دولت جدید از یک طرف باید زمینه رشد تورم را مهار کند و از سوی دیگر برنامه بهبود مناسبات با جهان پیرامونی را در دستور کار قرار دهد. تنها در این صورت است، مردم می توان توقع ایجاد ثبات و بهبود شاخص ها را داشت.

در چنین شرایطی پزشکیان باید چه اولویت های اقتصادی برای خود در نظر بگیرد که بتواند شرایط را تغییر بدهد؟

واقعبیت این است که دولت پزشکیان در شرایط بسیار دشوارتری از زمان روی کار آمدن شهید رئیسی قرار دارد. پزشکیان ریسک بزرگی کرد و بعید است که با وجود